اخبار حادثه

قتل طایفه‌ای در اهواز

ایرنا: در پی یک اختلاف طایفه‌ای بین دو قبیله عشایر عرب اهواز، صبح دیروز یکی از شیوخ طایفه زرگان این شهر به قتل رسید. طوایف زرگان و حمید از یک سال گذشته بر سر مالکیت زمین با هم اختلاف پیدا کرده بودند. یک مقام آگاه در استانداری خوزستان با تائید این مطلب به ایرنا گفت: در پی اختلاف این دو طایفه که از یک سال گذشته تاکنون ادامه داشته تعدادی از بزرگان آنها به قتل رسیده‌اند. او افزود: شیخ مذکور «غالب» نام داشت که در اثر شلیک گلوله به قتل رسیده است.

خروج واگن ترن هوایی پارک ارم از خط

فارس: مردی ظهر دیروز هنگام تعمیر ترن هوایی پارک ارم به خاطر رها شدن یکی از واگن‌ها و برخورد با آن جان سپرد. محمد تورنگ رئیس مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ با اعلام این خبر افزود: ساعت ۱۳ دیروز هادی رشیدبیگی در حال تعمیر ترن هوایی پارک ارم تهران بود که کنترل یکی از واگن‌های ترن از دست او خارج شد و به سوی این مرد حرکت کرد. این مرد پس از برخورد با واگن به شدت مجروح شد که پس از انتقال به بیمارستان به خاطر شدت جراحات جان سپرد. او افزود: پس از اطلاع موضوع به بازپرس کشیک قتل تهران جسد مرد ۵۵ساله به پزشکی قانونی منتقل شد. هم‌اکنون تحقیقات در رابطه با شناسایی علت وقوع این حادثه ادامه دارد.

آتش‌سوزی در خط لوله اهواز - آبادان

ایرنا: قسمتی از مسیر خط لوله اهواز آبادان در ۴۵ کیلومتری جاده اهواز منتهی به آبادان ساعت ۲۱ شب یکشنبه در نزدیکی روستایی به نام «ام‌الغزنان» دچار حریق شد. مسئول روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون گفت: پرسنل فنی و عملیاتی این شرکت از شب گذشته تا شش بامداد دیروز کار اطفای حریق در این مسیر را انجام دادند. «غلام عباس شهریاری» افزود: نفت نشت کرده هم‌اکنون جمع‌آوری شده و آتش به‌طور کامل خاموش شده است. او که هم‌اکنون در محل حادثه مستقر است با اشاره به فعالیت سه سپتیک در محل از شرکت نفت و گاز کارون از شب گذشته تاکنون اظهار داشت: پیش‌بینی می‌شود این خط تا بعدازظهر دیروز ترمیم و بازسازی شود تا از فردا جریان نفت در این مسیر ادامه یابد. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون از شرکت‌های بهره‌برداری تابعه شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب است که روزانه بیش از یک میلیون بشکه نفت تولید می‌کند.

آمار کشته‌شدگان تصادفات جاده‌ای در محورهای خراسان جنوبی به صفر رسید

ایرنا: فرمانده پلیس راه استان خراسان جنوبی گفت: آمار کشته‌شدگان تصادفات جاده‌ای در محورهای این استان طی تعطیلات نوروزی به صفر رسید. سرهنگ محمد جیحونی‌زاده با اعلام این مطلب افزود: با اقدامات پلیس راه و دیگر نهادهای همکار در اجرای طرح ویژه نوروزی و همکاری مناسب رانندگان، در ۱۳ روز اول امسال کسی بر اثر تصادف در جاده‌های خراسان جنوبی کشته نشد درحالی که در مدت مشابه پارسال چهار نفر در اثر تصادف جاده‌ای در این استان کشته شدند. او بیان کرد: آمار تصادفات جرحی در این مدت از ۱۰ فقره در سال ۸۴ به ۱۵ فقره افزایش یافت ولی تعداد مجروحان آن نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۲/۷ درصد کاهش داشت. او گفت: آمار تصادفات خسارتی در محورهای ارتباطی این استان نیز در مدت مذکور از ۹ فقره در سال ۸۴ با حدود ۲۲ درصد رشد، به ۱۱ فقره رسید. وی افزود: در مدت اجرای طرح ویژه نوروزی طرح کنترل نامحسوس ناوگان حمل و نقل عمومی و گشت‌های نامحسوس خودروهای سواری اجرا شد که با اجرای این طرح بیش از ۴۰ مورد اعمال قانون برای اتوبوس‌ها و حدود ۳۵ مورد اعمال قانون و ارشاد برای خودروهای سواری انجام شد. فرمانده پلیس راه استان خراسان جنوبی گفت: در طرح ویژه نوروزی پلیس راه ۲۰ تیم گشتی ثابت، سیار و کنترلی با بیش از ۱۵۰ نفر از یگان‌های انتظامی و پلیس راه حضور داشتند. او با اشاره به حضور فعال یگان‌های امداد در جاده‌های استان گفت: حدود ۲۷ پایگاه اورژانس و جمعیت هلال احمر با همکاری پلیس راه به‌صورت شبانه‌روزی به مسافران خدمت‌رسانی کردند. وی افزود: در طرح دیگری از سوی پلیس راه، در مواقع بارندگی و مه‌آلودگی جاده‌ها به منظور جلوگیری از بروز تصادف خودروهای عبوری توسط پلیس متوقف شده و ملزم به روشن نمودن چراغ‌های خودرو شدند.

۱۱ کشته در توفان‌های آمریکا

ایسنا: وزش توفان‌های شدید در سراسر ایالت‌های «تنسی»، «میسوری» و «ایلینویز» در آمریکا موجب مرگ حداقل ۱۱ نفر و وارد آمدن خسارات مالی قابل توجه شد. مقامات محلی در ایالت «تنسی» اعلام کردند که حداقل ۸ نفر بر اثر وزش توفان‌های شدید و خسارات ناشی از آن کشته شدند و این احتمال وجود دارد که شمار قربانیان باز هم افزایش یابد. وزش این توفان‌ها همچنین مجروحان فراوانی نیز بر جای گذاشته که به گفته مقامات بیمارستانی، حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است. در ایالت «میسوری» نیز حداقل دو تن بر اثر وزش توفان‌های شدید جان خود را از دست دادند. در حال حاضر نیروهای امداد و نجات برای کمک به مصدومان این توفان‌ها بسیج شده‌اند.

مرگ پسر ۸ساله بر اثر سقوط از کوه‌های «بی‌بی شهربانو»

شرق: پسر ۸ساله‌ای که به همراه خانواده‌اش برای گذراندن سیزده بدر به کوه‌های اطراف «بی‌بی شهربانو» در اطراف شهرری رفته بود، بر اثر سقوط از بالای کوه جان باخت. پسر ۸ساله پس از این سقوط در بعدازظهر آن روز در دم جان خود را از دست داد.

زلزله لرستان دیروز هم ادامه داشت

حوادث

گروه اجتماعی: با وقوع ۱۳ زمین‌لرزه دیگر در لرستان شمار زلزله‌های رخ داده در این استان تا ساعت ۱۴ دیروز به یکصد و هفت زمین‌لرزه رسید. زمین‌لرزه‌های استان لرستان درحالی ادامه دارد که چهار مورد آن در روز یکشنبه و ۹ مورد دیروز رخ داده که شدیدترین آن زلزله‌ای با بزرگی ۳/۹ در مقیاس امواج درونی بوده است. اسکان اضطراری زلزله‌زدگان این استان به گفته رئیس کمیته اطلاع‌رسانی مناطق زلزله‌زده به اتمام رسیده است. به گفته فرحناز ملکی تاکنون ۳۱ هزار و ۳۵۰ خانوار در این مناطق بی‌خانمان شده‌اند که همگی به‌صورت اضطراری اسکان داده شده‌اند و هم‌اکنون نیاز به اسکان اضطراری ندارند علاوه بر آنکه آب، برق و گاز تمامی مناطق زلزله‌زده وصل شده است و توزیع مواد غذایی نیز با هماهنگی شوراهای اضطراری روستاها انجام می‌شود.

■ کمبود چادر در دورود

اما حسین پاپی نماینده دورود در مجلس شورای اسلامی کمک‌های موجود را کافی ندانسته و معتقد است استان‌های همجوار در تامین نیازهای زلزله‌زدگان لرستان به صورت جدی وارد عمل نشده‌اند. او با بیان اینکه عملیات اسکان موقت زلزله‌زدگان شهرستان دورود به خوبی انجام شده اما آنها با کمبود شدید وسایل گرم‌کننده مانند پتو و چراغ‌های والور روبه‌رو هستند گفت: علاوه بر آن لازم

است برای شهروندان دورودی متقاضی دریافت چادرهای امدادی هم فکر اساسی شود. پاپی از موضوع دیگری می‌گوید که با وجود اعلام سازمان هواشناسی مبنی بر بارندگی طی ۴۸ ساعت آینده در این استان و وزش باد و بارش که هم‌اکنون نیز وجود دارد و هشدارهای آب‌گرفتگی معابر که این روزها محل زندگی لرها شده است موضوع را جدی‌تر از گذشته می‌نماید. پاپی با بیان اینکه به اکثر شهروندان بروجردی چادر امدادی تحویل شده است گفته برخی شهروندان روزانه ساعت‌ها با تجمع در مقابل فرمانداری و جمعیت هلال‌احمر این شهر متقاضی دریافت چادر هستند اما جواب درستی به آنها داده نمی‌شود.

■ ارائه چادرهای امدادی وظیفه هلال احمر نیست

از سوی دیگر مسعود خاتمی رئیس جمعیت هلال‌احمر کشور با بیان اینکه ارسال چادرهای امدادی هلال‌احمر به مناطق زلزله‌زده با تاخیر انجام شد به ایسنا گفت: هلال‌احمر حتی آمادگی پوشش دو درصدی مردم را نیز ندارد. او گفت که بیش از ۳۰ هزار دستگاه چادر امداد از سراسر کشور به مناطق زلزله‌زده ارسال شده است و بلافاصله پس از وقوع زمین‌لرزه نیروهای امداد و نجات به منطقه اعزام شدند اما عملیات ارسال چادرهای امدادی به دلیل نامعلوم بودن واحدهای تخریب شده و نیاز به انجام هماهنگی جهت ارسال چادرها با تاخیر انجام شد.

از سوی دیگر انتقال چادرها از شهرها به سوی روستاها نیاز به طی کردن مراحلی داشت که عملیات ارسال چادر را با تاخیر مواجه کرد. اما او درخصوص ارائه چادر به زلزله‌زدگان وحشت‌زده افزود: هلال‌احمر وظیفه در اختیار قرار دادن چادرهای امدادی به این افراد را ندارد، چرا که تامین تعداد زیادی چادر برای تمامی این افراد امکان‌پذیر نیست. براساس یکی از اخبار مخابره شده بر روی سایت ایرنا نیز وزارت خارجه ژاپن ۸۵ هزار دلار امداد رفاهی جهت کمک به بازماندگان زلزله به ایران اهدا می‌کند. همچنین توکیو چادر، پتو و آذوقه‌های امدادی برای ایران مهیا می‌کند. یونیسف ایران نیز کمک‌هایی شامل ده هزار تخته پتو و بیش از سیصد چادر برای کمک به کودکان و خانواده‌های آسیب‌دیده از زلزله لرستان ارسال کرد. اولین محموله این کمک‌ها شامل چادر بود و حداقل دو هزار پتو نیز قرار بود دیشب به بروجرد برسد. بقیه کمک‌های یونیسف به زودی به شهرهای زلزله‌زده ارسال می‌شود.

■ برپایی چادرهای مدرسه

با گذشت چهار روز از زلزله‌های استان لرستان و اسکان موقتی زلزله‌زدگان حالا دیگر موضوع جلوگیری از شیوع بیماری در منطقه از جمله دغدغه‌های مسئولان است. یک کارشناس مبارزه با بیماری‌های دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان با بیان اینکه مهمترین موضوع در شرایط کنونی جلوگیری از شیوع بیماری‌های روده‌ای است به ایرنا گفت: تاکنون هیچ مورد بیماری در این منطقه مشاهده نشده است و در حال کنترل منطقه برای پیشگیری از بیماری‌ها هستیم. او همچنین از استقرار ۱۸ تیم امدادرسان برای کمک به وضعیت بهداشتی در شهرستان‌های زلزله‌زده گفت که فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند. با تخریب ۹۵ کلاس درس در روستای سیلافر و ۳۰ تا ۳۵ کلاس درس در شهرهای دورود و بروجرد رئیس کمیته اطلاع‌رسانی مناطق زلزله‌زده از برپایی چادرهایی در قالب مدرسه در روستاها خبر داد علاوه بر آنکه معلمان نیز موظف هستند لیستی از اسامی دانش‌آموزان نیازمند کتاب تهیه کنند تا لوازم‌التحریر مناسب در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

■ معضل آب آشامیدنی در لرستان

بروز اسهال و اسهال خونی موضوعی است که معاون سلامت وزارت بهداشت از آن ابراز نگرانی می‌کند. سیدموید علویان به فارس گفت: با توجه به اشکالاتی که در شبکه آب‌رسانی مناطق زلزله‌زده استان لرستان به‌وجود آمده و مشکل تامین آب آشامیدنی سالم در این منطقه نگران بروز اپیدمی اسهال و اسهال خونی هستیم. او از بازسازی مراکز بهداشتی درمانی و خانه‌های بهداشت منطقه برای ارائه خدمات درمانی به آسیب‌دیدگان گفت زیرا زمین‌لرزه به تخریب ۱۱ خانه بهداشت در شهرستان بروجرد و پنج خانه بهداشت در شهرستان دورود و آسیب دیدن ۳۱ خانه بهداشت در مناطق زلزله‌زده انجامیده بود.

سرایدار همدست سارقان بود

گروه اجتماعی: معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران از دستگیری سارقان مسلح منزلی در یوسف‌آباد و سارقان مسلح خودروها در حاشیه پایتخت خبر داد. سرهنگ حسین خوئینی روز گذشته در تشریح چگونگی دستگیری این سارقان حرفه‌ای گفت: نخستین پرونده مربوط به سرقت مسلحانه از منزلی در یوسف‌آباد بود. سارقان مسلح در نخستین روزهای سال جدید پس از ورود به منزل مذکور وجوه نقد و انواع طلا را به سرقت بردند. پس از اعلام این موضوع به پلیس آگاهی تهران تحقیقات گسترده‌ای در این خصوص توسط کارآگاهان دایره یکم آغاز شد. وی افزود: در حالی که تحقیقات در این خصوص ادامه داشت از قهوه‌خانه‌ای در خیابان زمزم خبر رسید دو جوان به نام‌های محمد و سعید قصد فروش طلاهای مسروقه را دارند. به این ترتیب گروهی از ماموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر بلافاصله در محل حاضر شده و هر دو جوان را دستگیر کردند. به گفته سرهنگ خوئینی متهمان در جریان بازجویی به سرقت از منزل مذکور اعتراف و اعلام کردند سه روز قبل با همدستی سرایدار منزل مذکور به آنجا رفته و دست به سرقت زدیم و این طلاها نیز همان اموال مسروقه است. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران گفت: جواد (سرایدار) نیز که به گفته همسایه‌ها به خارج از کشور سفر کرده بود در همان روز شناسایی و دستگیر شد و در بازجویی‌ها اعتراف کرد با همدستی دو نفر از دوستانش اسلحه‌ای خریداری کرده و در یک فرصت مناسب که صاحبخانه در منزل نبوده با استفاده از کلید انباری اقدام به سرقت وجوه نقد و تعدادی طلاجات از آنجا کردند. سرهنگ خوئینی در ادامه افزود: متهمان که در جریان این سرقت از اسلحه استفاده نکرده‌اند به سرقت ۱۲ میلیون تومان تراول‌چک و بیش از ۷ میلیون تومان طلا و جواهر اقرار کردند. این در حالی است که صاحبخانه مدعی شده مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان تراول‌چک و حدود ۲۷۰ میلیون تومان طلا و جواهر از منزلش به سرقت رفته است. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران در ادامه با اشاره به دستگیری اعضای یک باند مسلح سرقت خودرو در این خصوص گفت: حدود ساعت ۵ بعدازظهر پنجم فروردین از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به کلانتری ۱۳۱ فرجام خبر سرقت مسلحانه خودرویی در اتوبان امام علی (ع) اطلاع داده شد. ماموران گشت کلانتری بلافاصله وارد عمل شده و موفق شدند یکی از سارقان مسلح که با خودروی پراید مسروقه در حال فرار بود را دستگیر کنند. به گفته خوئینی از «آرش» یک قبضه اسلحه کمری به همراه خشاب و تعدادی فشنگ جنگی و یک فقره چاقو کشف شد و او در بازجویی‌ها اعلام کرد با همدستی دو تن از دوستانش به نام‌های سعید و بهروز چهار خودرو را با تهدید اسلحه سرقت کرده‌اند. گفتنی است همدستان آرش روز هشتم فروردین‌ماه بازداشت شده و به جرایم ارتکابی خود اعتراف کردند. همچنین سعید در جریان بازجویی‌های تکمیلی به ارتکاب چندین فقره زورگیری با همدستی آرش اعتراف کرد. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی در پایان به شهروندان هشدار داد و گفت: در ساعات پایانی روز و در حاشیه شهر از سوار کردن افراد ناشناس به عنوان مسافر پرهیز کرده و در خودروی خود را قفل کنند و در صورت مشاهده موارد مشکوک موضوع را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.

تشکیل پرونده قتل زنی پس از ۹ روز مبارزه با مرگ

ایسنا: زن ۲۵ ساله‌ای که روز دوم فروردین ماه سال جاری، از سوی فرد یا افراد ناشناسی از پشت سر مورد حمله قرار گرفته و مضروب شده بود، پس از گذشت ۹ روز از حادثه در بیمارستان جان باخت. ساعت ۲۳ روز دوم فروردین ماه پس از تماس مردم با کلانتری ۱۷۱ «بهشت زهرا (س)» مبنی بر مشاهده جسد زنی در خیابان، بلافاصله ماموران پلیس به موقعیت مورد نظر عزیمت کردند. بر این اساس ماموران با حضور در محل حادثه با جسد نیمه‌جان زن جوانی مواجه شدند که بر اثر اصابت شیئی سنگین به پشت سرش بیهوش شده بود. بدین ترتیب با انتقال جسد این زن به نام ساره به بیمارستان حضرت رسول (ص)، تلاش برای شناسایی ضارب یا ضاربان این زن آغاز شد که در این رابطه دو مظنون به نام‌های «هادی» ۲۳ ساله و «کاظم» ۲۵ ساله که با نامبرده در یک فروشگاه پوشاک کار می‌کردند، دستگیر شدند و برای تحقیقات بیشتر به پلیس آگاهی تهران بزرگ انتقال یافتند. دستگیری این دو مظنون در حالی بود که پس از گذشت ۹ روز از وقوع حادثه در یازدهم فروردین‌ماه، «ساره» دختر جوان ۲۵ ساله در بیمارستان جان باخت. تحقیقات پلیسی درخصوص این جنایت و بررسی انگیزه‌های احتمالی متهمان به قتل در حالی ادامه دارد که تاکنون متهمان دستگیر شده درباره ارتباط خود با وقوع این قتل اعترافی نکرده‌اند.

تفنگداران می‌دوند

عکس روز

چند روزی است که در سواحل جنوبی کشور رزمایش بزرگی شروع شده است. در عکس امروز که عکاس خبرگزاری فارس حسین فاطمی گرفته گوشه‌هایی از این رزمایش را می‌بینید.

قسمتی از تاریخ ایران رفت

فروتیش رضوانیه: بسیاری از مردم، «سروش خلیلی» را به عنوان یک بازیگر ساده تلویزیون و سینما می‌شناسند. او از کسانی است که تا ۲۰ سال آینده نخواهیم دانست چه‌کسی دیگر در میان ما نیست. «سروش خلیلی» سال ۱۳۱۵ در «آستارا» به دنیا آمد. پدرش «میرخلیل» کارمند وزارت دارایی بود. زمانی که ماموریت پدرش در آستارا تمام شد به رشت نقل مکان کردند. «منوچهر رئیس‌زاده» یکی از بستگان سروش یک گروه نمایشی را اداره می‌کرد که برای اجرا به شهرستان‌های گیلان می‌رفتند. سروش که به هنر نمایش علاقه‌مند بود از رئیس‌زاده خواست که اجازه بدهد با گروهش همکاری کند. ولی در جواب شنید که بچه است و از عهده این کار برنمی‌آید. سروش با شنیدن این حرف خیلی ناراحت شد. در گذشته، بین دو پرده نمایش، قطعه نمایش کوتاهی اجرا می‌شد که به آن پیش‌پرده‌خوانی می‌گفتند. مرتضی احمدی، عزت‌الله انتظامی، حمید قنبری و علی تابش ازجمله هنرمندانی هستند که در ابتدا پیش‌پرده‌خوان بوده‌اند. سروش خلیلی نمایشنامه کوتاهی را به همراه چند شعر به صورت پیش‌پرده نوشت و تصمیم گرفت که آن را به روی صحنه ببرد. خانه آنها باغ بزرگی داشت که سروش و دوستانش در آنجا یک باشگاه ورزشی با امکاناتی مانند زمین فوتبال و والیبال تاسیس کرده بودند. سروش پس از تمرین تئاتر، از همسایه‌ها صندلی قرض گرفت و با کمک دوستانش در باغ یک صحنه کوچک تئاتر، با پرده و گنجایش حدود پنجاه صندلی ساختند. آنها همسایه‌ها را به تماشای نمایش دعوت کردند. روز اجرا فرا رسید. رئیس‌زاده و افراد گروهش به تماشای تئاتر سروش آمده بودند. اجرای نمایش با استقبال تماشاچیان روبه‌رو شد. «رئیس‌زاده» به سروش گفت که نظرش عوض شده و فکری برای او خواهد کرد. در سال ۱۳۲۷ پدرش به پایتخت منتقل شد. هنگام خداحافظی، خواهر یکی از دوستان سروش از او خواست که هنر را رها نکند. در آن زمان تئاتر تحت‌سلطه توده‌ای‌ها بود، آنها تز «استانیسلاوسکی» را به کار می‌بردند که تئاتر ایران را دگرگون کرده بود. مرکز آنها تئاتر فردوسی کوچه ملی لاله‌زار بود. سروش چیزهایی درباره عبدالحسین نوشین شنیده بود ولی وقتی می‌خواست در کلاس او شرکت کند همه می‌گفتند که نوشین قبول نمی‌کند. «نوشین» به سروش نگاهی انداخت و گفت که او را نمی‌خواهد. سروش خیلی ناراحت شد، تمام دنیا برایش تمام شده بود. سرش را پائین انداخت تا برود. ناگهان نوشین او را صدا زد و از سروش پرسید که درس می‌خواند؟ سپس از او خواست که به تحصیل ادامه بدهد و گفت که از فردا می‌تواند هنگام تشکیل کلاس‌ها در ته سالن بنشیند. سروش تشکر کرد و رفت. نوشین به تقوی گفت وقتی سروش ناراحت شد و سرش را پائین انداخت، متوجه شدم که بچه بااستعدادی است. در آن زمان دانشکده یا کلاس بازیگری وجود نداشت. هنرمندان باسابقه در سالن‌های تئاتر شاگردان بااستعداد را می‌پذیرفتند و حدود ۷ ماه با آنها تمرین می‌کردند. پس از مدتی هم آنها را وارد کار می‌کردند. سروش در خیابان لاله‌زار یک آگهی پذیرش هنرجو برای کلاس صمد صباحی در تئاتر فرهنگ را دید و برای شرکت در امتحان ورودی ثبت‌نام کرد. به غیر از او ۱۰۰ نفر دیگر هم ثبت‌نام کرده بودند.

از میان این تعداد متقاضی تنها ۱۰ نفر قبول شدند. سروش یکی از آنها بود. «سروش خلیلی»، «منوچهر قاسمی» و «کامل حلمی» دوستان صمیمی و هر سه نفر از شاگردان زرنگ کلاس بودند. «صمد صباحی» ترک باکو بود و نمایشنامه «آرشین مالالان» را ترجمه کرده بود. وقتی قصد داشت آن را روی صحنه ببرد از سروش و دیگر شاگردانش در سیاهی لشگر استفاده کرد. پرده آخر نمایش عروسی آرشین مالالان (پارچه‌فروش) بود. در آن صحنه سروش و دوستانش در نقش مهمانان روی صندلی نشسته بودند و دست می‌زدند. یک روز که دوستان دور هم جمع بودند به خودشان گفتند ۴ سال است که در حال دوره دیدن هستند ولی هنوز کاری نکرده‌اند. «منوچهر قاسمی» پیشنهاد می‌دهد که خودشان کلاس تشکیل بدهند و چیزهایی که فراگرفته‌اند را به جوانان بیاموزند. یکی از دوستان آنها به اسم «رستم خانی» که کوتاه‌قد بود و خط خوشی هم داشت گفت که برادرش در ابتدای خیابان فردوسی دفتر کار دارد و می‌توانند کلاس را در آنجا برگزار کنند. آنها روزی دو ساعت کلاس داشتند و پولی هم از شاگردان نمی‌گرفتند. سروش پانتومیم، حلمی گریم و قاسمی فن بیان تدریس می‌کردند. کنار دفتر، آتلیه نقاشی رضا کرم‌رضایی بود. او به بازیگری علاقه زیادی داشت و به آلمان رفت تا در آنجا دوره تئاتر ببیند. سیروس ابراهیم‌زاده، مهدی فتحی، بیک ایمان‌وردی، عبدالله بوتیمار و اصغر سمسارزاده از شاگردان کلاس سروش و دوستانش بودند. پس از مدتی دفتر را به صاحب آن پس دادند.

سروش و دوستانش کلاس جدید را در یک کلاس موسیقی در خیابان نادری برپا کردند. آنها از علی نصیریان خواهش کردند که در کلاس آنها روش استانیسلاوسکی را تدریس کند. کمی بعد فضای ۷۰متری آنجا را به سالن تئاتر تبدیل کردند. عمق صحنه ۴ متر بود و سالن حدود سی صندلی داشت. سپس به اجرای نمایش‌های خود پرداختند. شبی یک مرد آلمانی پس از پایان نمایش به روی صحنه آمد و از بازیگران خواست که با هم به پشت صحنه بروند. یکی از بازیگران که انگلیسی بلد بود به مرد آلمانی گفت که اتاق پشت صحنه ندارند و این یک صحنه آماتوری است. مرد آلمانی هم گفت که به کارهای آماتوری علاقه زیادی دارد و در آلمان نیز نمایش‌های آماتوری زیادی را دیده است ولی هیچ کدام با این فقر و اجرای خوب نبوده‌اند. او سپس به آنها پیشنهاد کرد که از گذاشتن موزیک در صحنه تئاتر خودداری کنند و به جای آن سکوت کنند. مرد آلمانی وقتی روز بعد به محل کار خود رفت ماجرای شب قبل را برای یکی از همکاران ایرانی خود تعریف کرد. همکار او شب به تماشای آن نمایش رفت و بازیگران آن را شناخت. عزت‌الله انتظامی وقتی از آلمان بازگشت، در فروشگاه آلمانی‌ها مشغول به کار شد. او از سروش و دوستانش تقدیر کرد و گفت که همکار آلمانی او خیلی از نمایش آنها تعریف می‌کند. در سال ۱۳۳۵ گروه تئاتر سروش و دوستانش تنها گروه تئاتر تهران بود و نام آن را «تروپ تئاتر اسکار» گذاشته بودند. پدر سروش به تبریز منتقل شد. با رفتن سروش، گروه دچار بی‌نظمی شد. او نتوانست طاقت بیاورد و به تهران برگشت. با تاسیس اولین تلویزیون ایران (شبکه دو کنونی) که خصوصی بود سروش و دوستانش به اجرای نمایش مقابل دوربین پرداختند. در آن زمان برنامه‌های تلویزیون به صورت زنده اجرا می‌شد. اجرای نمایش تلویزیونی ۶ سال ادامه یافت. پس از آن سروش هر شب به مدت ۲۰ دقیقه در برنامه طنز انتقادی «حرف تو حرف» شرکت داشت. سروش نقش پروفسور ساوجبلاغی را بازی می‌کرد که یک دستیار با بازی حسن خیاط‌باشی داشت و این کادر ثابت برنامه بود. زمانی که تازه ساختمان وزارت نفت در خیابان تخت‌جمشید افتتاح شده بود آسفالت خیابان خراب بود. یک شب پروفسور ساوجبلاغی در سخنرانی‌اش گفت مسئولان باید مقابل ساختمان جدید وزارت نفت سکوهایی می‌گذاشتند تا مردم بنشینند و به این بنای عظیم بنگرند. ولی چون این امر میسر نبوده آسفالت خیابان را پله‌ای کرده‌اند تا رانندگان تاکسی سرعت‌شان را کمتر کنند و مسافرها بیشتر بتوانند ساختمان را تماشا کنند. روز بعد ترمیم آسفالت خیابان آغاز شد. از آن روز سروش وقتی سوار تاکسی می‌شد راننده‌ها می‌گفتند پروفسور ساوجبلاغی! خدا پدرتان را بیامرزد. یک سال بعد در ۱۳۴۲ تلویزیون دولتی ایران تاسیس شد و سروش با بازی در مجموعه‌های «امیرارسلان» و «سرکار استوار» فعالیت خود را ادامه داد. او در سال ۱۳۴۶ به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد. در آنجا شروع به کار بازیگری کرد و مدت ده سال از تلویزیون و سینما دور شد. در سال ۱۳۶۰ از اداره بازنشسته شد و اکنون حدود ۵۰ سال است که بازیگری می‌کند. وقتی سروش خلیلی چند ماه پیش در خیابان جردن راه می‌رفت، خانمی جلوی او را گرفت و گفت: «من تو را بازیگر کردم.» سروش بلافاصله آن خانم را به خاطر آورد. او خواهر دوستش بود. او ظاهر و باطنی آرام داشت. ساکت، خوش‌اخلاق و اهل تفکر بود. غر نمی‌زد. اگر از رخدادی ناراحت بود، به آرامی و با کلمات شمرده آن را بیان می‌کرد و نظرش را می‌گفت. بسیار دقت می‌کرد. هیچ وقت ندیدیم کار خطایی انجام دهد یا کسی را با سخن یا عملی برنجاند. بسیار حساب شده عمل می‌کرد. او نیز مانند ده‌ها پیشکسوت نمایش ایران، آن را پایه‌گذاری کرده بود. عدم توجه به پیشکسوتان و ثبت و به‌کارگیری تجربیات آنها باعث شد که امروز، نمایش نیز مانند سینما در حال دور شدن از اصالت، وجه هنری و فرهنگی خود باشد. چه کسانی می‌دانند که «کیومرث ملک‌مطیعی» برای ایفای نقش در یک نمایش، به حنجره خود آسیب رسانده و در نوجوانی تمام دندان‌هایش را کشیده است؟ چند نفر می‌دانند که «سروش خلیلی» چه چیزهایی را کشف کرد و آموخت؟ توجه به پدیده فرار مغزها بسیار مهم است، اما دانستن ارزش پیشکسوتان هر عرصه‌ای به‌خصوص در هنر، بسیار مهم‌تر است. امروز هر کدام از ما تلاش می‌کنیم سبک جدیدی پدید آوریم بدون اینکه به تجربیات پیشکسوتان کوچک‌ترین توجهی داشته باشیم. «سروش خلیلی»، «مرتضی احمدی» و ده‌ها هنرمند بزرگ دیگر، از ارکان تشکیل دهنده «تاریخ نمایش ایران» هستند. امروز ما نه تنها از تاریخ تجربه‌ای کسب نمی‌کنیم، بلکه آن را انکار می‌کنیم. تا هنرمندی می‌رود، رسانه‌ها تحقیق می‌کنند که او چه‌کسی بود. این در حالی است که وقتی پیشکسوتی زنده است، رسانه‌ها ترجیح می‌دهند از پشت صحنه نمایش جدیدی با حضور هنرپیشه‌های تلویزیون و سینما گزارش و عکس تهیه کنند.

مردمک — ۲۲۰۵۳۳۷۲

افزایش ورودیه مجتمع ورزشی

سازمان تربیت بدنی ورودیه و نرخ ورزش‌های مجتمع انقلاب را از اول سال ۸۵ بیش از ۳۵ درصد افزایش داده یعنی از ۶۲۰۰۰ تومان به ۸۵ هزار تومان رسیده که این امر برخلاف سیاست‌های دولت در زمینه ثابت نگهداشتن قیمت‌ها و توجه به ورزش و جوانان است.

تشکر و انتقاد

خواستم از روزنامه شرق به دلیل چاپ سالنامه شرق تشکر کنم. بسیار پرمحتو و پرمطلب بود ولی آنقدر غلط‌های املایی و نگارشی در آن زیاد بود که گاهی شائبه بی‌احترامی و بی‌توجهی نسبت به خواننده به انسان دست می‌داد. حیف است که این روزنامه نسبت به حروفچینی و ویراستاری این همه بی‌دقت باشد که این اشتباه حتی در شعر صفحه اول (طرف به جای طرب) نیز دیده می‌شود. بهتر بود در نوشتن و تصحیح مطالب سالنامه چون زمان بیشتری نیز برای آن در اختیار داشتید دقت بیشتری به خرج می‌دادید مسلماً بدون غلط بودن مطالب روزنامه بهتر از چهار رنگ بودنش است.

حفظ منطقه پل شاپور

عباس توکلی شهمیرزادی: امسال نیز همچون سال‌های گذشته سیزده‌بدر به منطقه پل شاپور قائمشهر رفتم. پل شاپور دشت طبیعی بسیار زیبا و وسیعی است که قدمت آن به ۵۰ سال نیز می‌رسد و حیوانات وحشی مثل پلنگ نیز در آن دیده شده است. متاسفانه امسال متوجه شدم که این منطقه به مالکیت غیر درآمده. یعنی یک سازمان یا نهادی به بهانه جاده‌سازی برای شهرک صنعتی آن را خریداری کرده و معلوم نیست که در آینده با این دشت زیبا چه خواهند کرد. از سازمان حفاظت محیط زیست یا هر سازمان مسئول دیگری می‌خواهیم که به این امر رسیدگی نماید تا مردم از داشتن این ثروت طبیعی و خداداد محروم نشوند.

دروغ سیزده نداریم

مطالبی را به عنوان دروغ سیزده چاپ کرده بودید که به نظرم جالب نیست. چون ما در فرهنگ‌مان دروغ سیزده نداریم، این نوعی برداشت از ۱ آوریل اروپایی‌ها است.

هشدارهای زلزله را نمی‌بینیم

در آستانه دیگر سال پرملال مکرر چه نیکو گفتی میرفتاح عزیز که آنچه نالیدی برخاسته از ضمیر آگاه هم‌اندیشانت بود که چرا در این سرزمین بهارشناس هنرپرور کار چنان شده که اگر تو را به حالت اشتر با شعر عرب شوقی و ذوقی نباشد جانوری کج‌طبع خواهی بود و چرا سهمی و درکی از آسمان آبی و گل و ریحان و بلبل و شعر و موسیقی و عشق و پاکی که آیات راز هستی و زندگی‌اند باقی نمانده. به قول نویسنده سرمقاله آیا شگفت نیست که چرا در این شهر سیاه آخرالزمانی با کابوس خو کرده‌ایم و هشدارهای مکرر زلزله را در همسایگی‌مان نمی‌بینیم و خود من می‌گویم که آری ادای زندگی کردن را درمی‌آوریم.

از زندگی بگویید

خواستم بگویم آیا خودتان به صفحه اول و آخر روزنامه که در بهار ۸۵ (۱۴ فروردین) منتشر شد توجه کردید. صفحه آخر به چهار خبر درگذشت اختصاص یافته است آیا در این روزها خبرهایی دیگر در ایران و جهان که طعم زندگی داشته باشد برای چاپ وجود نداشت و ستون کرگدن‌نامه که پر از مطالب سیاه و ناامیدکننده بود و همچنین سرمقاله صفحه اول که مردم را از تهران و دود و زلزله موعود می‌ترسانند. آیا بهتر نبود لااقل در آغاز سال نو کمی هم از زیبایی و زندگی صحبت می‌کردید و به مردم نشاط و عشق می‌دادید.

ویژه‌نامه‌ها را منگنه کنید

از اردکان یزد تماس می‌گیرم. چرا ویژه‌نامه‌های روزنامه شرق در این شهر به‌صورت ناقص توزیع می‌شود؟ من یکی از خوانندگان پر و پا قرص ویژه‌نامه‌های شرق هستم. خواهش می‌کنم ویژه‌نامه‌ها را به‌صورت منگنه شده داخل روزنامه بگذارید تا از گم‌شدن بسیاری از صفحات آن جلوگیری شود. کلاً ویژه‌نامه‌های شرق در استان یزد به‌صورت ناقص به دست مردم می‌رسد.

صفحه دینی و مذهبی بگذارید

از شهرستان لار استان فارس تماس می‌گیرم. واقعاً جای صفحه دینی و مذهبی در روزنامه شما خالی است. در این روزگار که به‌جا آوردن مسائل دینی اسلام مثل ن